

سازمان‌دهی علوم انسانی اسلامی نیازی میان‌رشته‌ای

محمدهادی یعقوب‌نژاد^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۳/۳/۱۵

چکیده

مقاله حاضر به مقوله علم و سازمان‌دهی آن، و ارائه راهکاری متناسب با علوم انسانی - اسلامی می‌پردازد و درصدد پاسخ به این پرسش است که از منظر مدیریت، به عنوان عنصری فراگیر در سازمان‌دهی هر نوع کار و محیط انسانی، برای مهندسی و سازمان‌دهی علوم انسانی - اسلامی چه راهکاری می‌توان ارائه کرد. از آن‌جا که علوم انسانی اسلامی به عنوان روح همه علوم می‌تواند به علوم دیگر جهت دهد و آنها را علاوه بر شئون مادی در جنبه‌های معنوی انسانی نیز اثربخش سازد، شایسته است که به مثابه نیازی میان‌رشته‌ای مورد توجه قرار گیرد. از این رو لازم است به درستی و بر اساس اصول شناخته شده، سازمان‌دهی و مدیریت شود تا زمینه‌های تحول و تولید علم به موقع را به دست دهد. مهندسی و مدیریت این علوم با استفاده از نظام‌های دانش‌مدار و ابزارهای فناورانه، از جمله راهکارهای مهم و زیرساختی است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. **کلیدواژه:** مدیریت علوم انسانی، مدیریت علوم اسلامی، نظام‌های دانش‌مدار، اصطلاح‌نامه‌ها، علوم انسانی - اسلامی، روابط میان‌رشته‌ای.

پذیرش نظم و سازمان در فعالیت‌های مختلف، یکی از خصلت‌های بارز انسان است که احساس نیاز به آن، با افزایش و تنوع عناصر موجود در محیط زندگی او فزونی یافته است. توانایی طراحی و سازمان‌دهی، و مدیریت مبتنی بر آن، یکی از قابلیت‌های انسانی است که بنا به ضرورت، همراه با فکر و اندیشه او پیشرفت کرده است، به گونه‌ای که انسان برای مدیریت هر نوع کار و محیطی، طرح خاصی تدوین کرده است. سؤال اساسی این است که: برای مدیریت علم و دانش چه راهکارهایی وجود دارد و از زاویه نگاه مدیریتی چگونه می‌توان علوم، از جمله علوم انسانی - اسلامی را مدیریت کرد؟ توجه به علم از نگاه مدیریتی و ارائه رهیافتی مناسب در حوزه مدیریت علوم انسانی - اسلامی، مقوله‌ای حائز اهمیت و برنامه‌ای میان‌رشته‌ای است. حقیقت آن است که علم و دانش، از جمله دانش‌های انسانی - اسلامی، به عنوان اصلی‌ترین محصولی که به کمک اندیشه و تفکر انسان تولد یافته، از قاعده نظم‌پذیری و سازمان‌دهی مستثنی نیست و می‌بایست برای مدیریت قاعده‌مند آن از روشی علمی بهره جست تا ضمن ایجاد نظم و سازمان‌دهی و تسلط نسبی بر داشته‌های علمی، زمینه ارائه آن به مخاطب مناسب در فرصت مناسب و با کیفیت مناسب فراهم شود و با گسترش آن در سطح ملی و فراملی، افق‌های جدیدی برای ارتقا و تولید علم گشوده شود. این مقاله در سه بخش، با تعریف چند مفهوم آغاز و با بیان تأثیر فناوری در مدیریت دانش، نظام‌های دانش‌مدار را مهم‌ترین رهیافت مدیریتی در علوم انسانی - اسلامی معرفی کرده است.



علم و علم انسانی - اسلامی

۱. تاریخ علم و گستره آن

انسان در مسیر تکامل فرهنگ خود، نخست کلام را آموخت و آنگاه به نوشتن پرداخت. فاصله زمانی این دو، از فراگیری زبان تا آموختن خط، میلیون‌ها سال به درازا کشید. در این زمان طولانی، آدمی برتری عمده‌ای بر دیگر جانوران نداشت. فاصله بین انسان و حیوان هنگامی عمق یافت که انسان توانست به یاری خط، آموخته‌های خود را برای نسل‌های بعد به جای گذارد. تا زمانی که خط وجود نداشت تاریخ هم نبود (دامپی‌یر، ۱۳۷۱، ۱۱؛ مصباح، ۱۳۸۲، ۲۵ - ۲۶). با پیدایش خط، دانش مدون پدید آمد و هر نسلی که آمد و رفت، بر انبوه این دانش افزود. انسان در طی قرون متمادی دانایی‌های خود را به صورت‌های گوناگونی ضبط کرده

است. زمانی به شکل طومار، دوره‌ای به صورت کتاب و زمانی در فرم میکروفیش، بانک‌های الکترونیکی و جز آن.

دانایی‌های انسان به هر شکل و در هر زمینه و موضوع و با هر مسئله‌ای که باشد، از ساده‌ترین تا عمیق‌ترین پژوهش‌ها به هر زبان و هر خط که نوشته شود و در هر فرم و شکلی که ضبط شود، دانش مدون به شمار می‌آید. در این جا دانش به معنای وسیع و گسترده آن که همه دانسته‌ها و دانایی‌های انسان را در برگیرد، مورد نظر ما نیست. بلکه فقط دانش به معنای خاص، که از ساختاری به هم پیوسته و با قوانین شناخته شده سروکار دارد، آن هم در حوزه مخصوص به علوم انسانی - اسلامی، مورد بحث است. هرچند رهیافت مورد نظر مکانیزمی را در نظر گرفته که در صورت فراهم شدن زیرساخت‌ها در همه علوم قابل جریان خواهد بود. ابتدا لازم است مفاهیمی مانند علم، علم انسانی، علم انسانی - اسلامی و جز آن تعریف شوند تا منظور روشن‌تر شود.

۲. چیستی علم

علم، همزاد با اندیشه انسان، همواره به معنای درک واقع و کشف حقایق به کار می‌رفت و ماهیت هر علم و وجه تمایز آن از دیگر علوم بر اساس موضوع (مصباح، ۱۳۸۲: ۷۷) آن معلوم می‌شد. اما از دوره رنسانس تاکنون علم و شناخت وضعیت دیگری پیدا کرده است، به نحوی که امروزه عنوان «علم» با روش «تجربی» گره خورده است و ملاک اصلی مرزبندی و دسته‌بندی علوم را در محور «روش = تجربه» تعریف می‌کنند (کاپلستون، ۱۳۸۰: ۴۵-۳۲). این نوع نگاه به علم، نگاهی آسیب‌زاست که در تاریخ تفکر سابقه‌ای نداشته و شیوع آن - به ویژه در جامعه اسلامی ما - به بسیاری از معضلات در فرایند گسترش علم دامن زده است. آن‌چه به این معضل اندیشه‌ای بشر انجامید تحولات نابسامانی بود که در علم و دانش پس از رنسانس اتفاق افتاد. ضعف تفکر علمی از قرون وسطی (از ۵۲۹ م به مدت تقریباً ۱۰۰۰ سال) و پس از آن از دکارت (۱۶۵۰-۱۵۹۶) تا کانت (۱۸۰۴-۱۷۲۸) در عرصه تفکر فلسفی درباره علم و معرفت پدید آمد. به مرور، هم مسائل متعارف از حوزه علم و معرفت خارج شد و هم در حوزه مباحث نظری، تجربه تنها راه درک عالم خارج به حساب آمد، و تنها معرفت‌هایی را علم دانستند که به داوری تجربه تن دهد، و شناخت را به دو دسته «علمی» و «غیرعلمی» تفکیک کردند (مصباح، ۱۳۸۲: ۴۴-۳۶). در حالی که نه مقام داوری «تجربه» تعیین‌بخش علوم تجربی است و نه اساساً روش می‌تواند معیار صحیحی برای مرزبندی علوم باشد.^۳

۱. درباره معنای علم، بنگرید: (مطهری، ۱۳۶۹: ۳۶)، (طباطبایی، بی تا: ۳۰)، (مصباح، ۱۳۸۲: ۱۵۱-۱۵۳).

۲. درباره دستاوردهای نامطلوب دوره رنسانس، بنگرید: (مصباح، ۱۳۸۲: ۴۳).

۳. درباره معیار وحدت و تمایز علوم، بنگرید: (سوزنچی، ۱۳۸۸: ۹۸-۱۱۲).





راه خروج از این چالش بزرگ عبارت است از، اول: بازگشت به موضع نخست و اصل قرار دادن معرفی، دسته‌بندی و طبقه‌بندی علوم بر اساس موضوع، و نه بر اساس روش. دوم: مشروط کردن روش‌شناسی هر علم بر درک صحیح از موضوع آن علم. سوم: بازگرداندن موضوعات هنجاری به آغوش علم و تعیین جایگاه معقول موضوعات نظری و عملی در قبال یکدیگر. و چهارم: توجه خاص به علوم انسانی - اسلامی به عنوان روح همه علوم که به آنها جهت می‌دهد و کمک می‌کند که تمامی علوم در خدمت به انسان و در بعد انسانی و معنوی او نیز مؤثر باشند.

۳. چپستی علوم انسانی

علوم انسانی به دسته‌ای از علوم اطلاق می‌شود که عمدتاً ماهیت ارزشی دارند و علاوه بر گزاره‌های توصیفی، حاوی گزاره‌های تجویزی فراوانی هستند (سوزنجی، ۱۳۸۹: ۱۱۰-۱۱۴) و به عناصری مانند جامعه، فرهنگ، زبان، روان و اندیشه انسان توجه دارند. ادبیات، فلسفه، زبان‌شناسی، تاریخ، جامعه‌شناسی، مدیریت، و روانشناسی، چند نمونه از رشته‌های علوم انسانی‌اند. علوم انسانی در حال حاضر دارای دو پارادایم اصلی‌ست: یکی «علوم انسانی مدرن» و دوم «علوم انسانی جدید»، که از آن با عنوان پست‌مدرن هم یاد می‌شود. در علوم انسانی جدید امور انسانی را با روش‌های عموماً تحلیلی، انتقادی و تفکری - تعمقی مطالعه می‌کنند. این روش‌ها معمولاً در تقابل با روش‌های تجربی در علوم تجربی و علوم انسانی مدرن قرار می‌گیرند. در علوم انسانی جدید روش بررسی موضوعات و پژوهش پیرامون آنها بیشتر با روش «مشاهده غیرمستقیم» است (ویکی پدیا، ۱۳۹۰).

تا زمانی که وضعیت علوم انسانی در یک جامعه اصلاح نشود، امکان اصلاح در علوم دیگر هم میسر نخواهد بود. برای همین است که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای روی نکته بسیار مهمی تأکید کرده‌اند و در دیدار با استادان دانشگاه فرموده‌اند: «حدود دو میلیون این‌ها [= دانشجویان ایران] دانشجویان علوم انسانی‌اند. این به یک صورت انسان را نگران می‌کند. ما در زمینه علوم انسانی، کار بومی، تحقیقات اسلامی چقدر داریم؟... استاد مبرزی که معتقد به جهان‌بینی اسلامی باشد و بخواهد جامعه‌شناسی یا روانشناسی یا مدیریت و غیره درس بدهد، مگر چقدر داریم که این همه دانشجو برای این رشته‌ها می‌گیریم؟» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸). این جملات، انتقاد صریح رهبر انقلاب نسبت به وضعیت علوم انسانی‌ست. به دلیل موضوعیت علوم انسانی در مقاله حاضر، به اختصار توضیحاتی درباره چپستی آن می‌دهیم:^۱

علوم انسانی را در دو سطح می‌توان تعریف کرد: ۱. همه علوم به معنای بسیار عام آن

۱ درباره علوم اسلامی - انسانی، بنگرید: (اعوانی، ۱۳۸۹).

انسانی هستند. اگر انسان را از وجود حذف کنیم، اصلاً علمی وجود ندارد. علم، فهم انسان از هستی است. ۲. در سطح دوم می‌توان به معنای اخص آن اشاره کرد، به این ترتیب که موضوع علوم انسانی انسان است. اگر این را بپذیریم، از سویی تعریف دقیقی نکرده‌ایم، زیرا علمی مانند زیست‌شناسی را هم شامل خواهد شد. بخشی از زیست‌شناسی درباره انسان بحث می‌کند، در حالی که زیست‌شناسی را جزو علوم انسانی نمی‌دانند، زیرا با جسم انسان سروکار دارد و حیوانات دیگر هم در این مسئله اشتراک دارند. بنابراین تعریف دقیق‌تر این است که بگوییم: علوم انسانی با انسان به طور کلی و با تمام وجوهش ارتباط دارد، نه فقط با جسم او.

هر علمی که انسان را به یک اعتبار و به یک وجه خاص که با کل وجودش ارتباط دارد، مورد بررسی قرار داد، علم انسانی است، مانند جامعه‌شناسی، که انسان را به عنوان یک موجود اجتماعی و از حیث رفتار اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌دهد. یا اخلاق، که انسان را به عنوان یک موجود اخلاقی که دارای فضایل و رذایل قابل اکتساب است، مورد بررسی قرار می‌دهد. این‌ها از علوم انسانی هستند زیرا با کلیت وجود انسان سروکار دارند، نه فقط با جسم او. افتراق شاخه‌های علوم انسانی هم در این است که هر کدام با یک حیث ویژه‌ای از مسئله‌های انسان سروکار دارند.

با این حال، هنوز تعریف کاملی از علوم انسانی و شاخه‌های آن نداده‌ایم و آن را با روش منطقی تعریف نکرده‌ایم. هر تعریفی جنس و فصلی دارد. اگر جنس، کل وجود انسان است، فصلی که آن را متمایز می‌کند کدام است؟ وقتی جنس و فصل علوم انسانی تعریف شود، موضوع و مسائل آن نیز مشخص خواهد شد. در آن صورت تعریف کامل‌تری از علوم انسانی به دست خواهد آمد (اعوانی، ۱۳۸۹).

۴. چپستی علوم انسانی - اسلامی

هر علمی، از جمله علوم انسانی متعارف، با گزاره‌هایی که دارد، درباره پدیده‌ها مطالعه می‌کند. به طور کلی ماهیت علم جدید، پدیداری است و با حقیقت سروکار ندارد. حال آن‌که ورای همین پدیدارهای عالم، حقایقی نیز نهفته است. پس آنچه می‌بینیم، همه حقیقت نیست. حقایقی هست که باید از چرایی و چگونگی آنها سؤال شود. انسان برای فهم عمیق‌تر هستی، باید دست به تفسیر پدیده‌ها بزند. انسان فهم دارد، پس باید این فهم را به حد اعلی برساند. کار دین ارتقای همین فهم است. قرآن همه چیز را از سطح پدیده‌ها، به سوی اصل و حقیقت آنها، یعنی به علم الهی که منبع همه علوم است، بالا می‌برد. علم بدون علم الهی، ناقص است.^۲

۱. الرحمن، ۳.

۲. بنگرید به: ماده «علم» در قرآن. مانند: احقاف، ۲۳ - ملک، ۲۶ - بقره، ۳۲ - حجر، ۲۴ - و...





انسان، همان‌طور که خود، عالم، خدا، و همه چیز را تفسیر می‌کند، داده‌های علمی خود را نیز تفسیر خواهد کرد. داده‌های علمی نیز قابل تفسیرهای گوناگون است. یک ماتریالیست، فیزیک را یک‌جور تفسیر می‌کند، حکیم الهی فیزیک بودنش را رد نمی‌کند، اما می‌گوید تفسیرش این نیست که مادی باشد. وقتی صحبت از علوم انسانی - اسلامی می‌کنیم، مقصودمان علمی‌ست که جهت‌گیری آن سیر از ظاهر به حقیقت است. انسان فقط آن نیست که در روانشناسی تعریف و شناخته می‌شود. روانشناسی دانش سودمندی‌ست، اما تمام حقیقت انسان، آن چیزی نیست که روانشناسی نشان می‌دهد. حقیقت روان انسان الهی‌ست^۱، و روانشناسی با در نظر گرفتن این حقیقت متحول خواهد شد. اگر سرشت الهی انسان انکار شود، نتیجه‌اش بروز مسائل روانی برای خود انسان خواهد بود.

چگونگی تصور از انسان، در علوم انسانی مؤثر است. ادیان الهی نمی‌پذیرند که علم به سطح پدیدارها تقلیل یابد و انسان از میان برداشته شود. تمام هدف دین تکریم انسان و تفسیر وجود اوست.^۲ بدون در نظر گرفتن دین انسان چگونه تصویری خواهد داشت؟ تصویری که بیشتر غربی‌ها و مردم امروز از انسان دارند، تصویر جسمی و محدود است. غربی‌ها می‌گویند یا باید سراغ رهبانیت برویم یا سراغ دنیا. ولی در شرق، این‌ها را همیشه لازم و ملزوم یکدیگر می‌دیدند. حکمای ما آنها را با هم ربط می‌دادند، زیرا بر آن بودند که توجه به بعد روحانی منافاتی با توجه به ابعاد مادی ندارد. پیدایش علوم در قرون جدید با جدایی علم از حکمت الهی پیوند خورده است. حتی مبانی معرفت‌شناختی دانشمندان غربی که خود را الهی می‌دانستند، صد درصد غیر الهی‌ست. با آن‌که مؤمن بودند ولی ایمانشان حرف نمی‌زند. فلسفه اندیشمندی مثل دکارت از ایمانش بر نمی‌آید.

اساس دین علم است. خداوند هم هستی‌بخش است و هم عالم. خدای هستی‌بخش عالم، جهان را از روی علم پدید آورده است. جهان عبث نیست، پدید آمده از علم الهی‌ست. همه هستی نمودار علم الهی‌ست. غربی‌های غیرمتدین، بنیاد و ریشه علم را نمی‌بینند و توجه نمی‌کنند که از کجاست. ولی حکیم الهی این را می‌فهمد و می‌بیند. او جهان هستی را ظهور علم الهی می‌بیند. حکما اثبات کرده‌اند که وجود از علم جدا نیست. زیرا وجود اصل الهی دارد، علم هم اصل الهی دارد. با این دید، علوم جدید ضمن آن‌که حفظ می‌شود، عمق هم پیدا می‌کند، و این‌گونه ارتقا می‌یابد. دین حقایق را به وجود نمی‌آورد، آنها را نمی‌آفریند، بلکه دید انسان را نسبت به حقایق ارتقا می‌دهد. بعثت پیامبران برای آن نبود که چیزی به هستی بیفزایند یا از آن

۱. اسراء، ۸۵ - مریم، ۱۷ - انبیاء، ۹۱ - تحریم، ۱۲ - حجر، ۲۹؛ ص، ۷۲.

۲. اسراء، ۷۰ - حجرات، ۱۳.



کم کنند، بعثت انبیا برای هدایت انسان و دادن دید تازه‌ای به او بوده است، برای آن که تحولی در درون انسان ایجاد شود، و او بتواند به واسطه این تحولی الهی، و بینش جدیدی که به دست می‌آورد، پدیده‌ها را به گونه‌ای دیگر تفسیر کند.

دین عالی‌ترین نوع شعور است؛ شعوری صد درصد الهی که پیامبر [ص] آورده است. وحی تجلی و کمال این شعور الهی است و ما را هدایت می‌کند و تحولی در آگاهی ما به وجود می‌آورد که نمی‌توانیم از آن دست برداریم.

وحی علم، دانش، راه شناخت و آگاهی مطلق است. همان‌طور که دین عالی‌ترین مرتبه دانشی است که می‌شناسیم (اعوانی، همان).

درباره علوم انسانی و علوم اسلامی علاوه بر مباحث مبنایی و پیش فرض‌های علم‌شناختی و دین‌شناختی، مسائل متعدد دیگری نیز ایجاد شده است، از قبیل تفاوت علوم انسانی و علوم طبیعی، ماهیت علم اسلامی و رابطه آن با علم انسانی، امکان تحقق علم دینی و راهکارهای آن، و... که تفصیل این بحث‌ها مجال دیگری می‌طلبد، و در این جا فقط به اشاره‌های ضروری درباره علم اسلامی بسنده می‌شود.

نگاه غربی و سکولاریستی پس از رنسانس به مقوله علم، بین عقلانیت بشری و درک متعارف انسان‌ها از آموزه‌های وحیانی قائل به ناسازگاری بود. اما سؤال اساسی این است که آیا حقیقتاً بین این دو مقوله، تنافی یا تضادی وجود دارد؟ باید گفت که بین این دو حوزه معرفتی نه تنها تنافی وجود ندارد، بلکه رابطه‌ای معقول میان آنها برقرار است، و میان دستاوردهای بشری و آموزه‌های وحیانی تعاملی سازنده و درست وجود دارد، و بنابراین می‌توان از علمی سخن گفت که عقلانیت بشری را جدی بگیرد و در عین حال توجه عمیق به آموزه‌های وحیانی هم داشته باشد. بحث از علم اسلامی و علم دینی در واقع بحث بر سر همین تعامل و سازواری انگاره‌های عقلانی بشری و درک متعارف از آموزه‌های وحیانی است که قابل تحقق است و در این باره دیدگاه‌ها و راهکارهای متعددی ارائه شده است، از جمله: اصالت دادن به معارف نقلی در تولید و توسعه علم^۱ (سوزنجی، همان، ۱۹۵)؛ اصالت دادن به روش تجربی در تولید و توسعه علوم^۲ (همان، ۲۲۵)؛ و توجه به روش‌های مختلف کسب معرفت در تولید و توسعه علم^۳ (همان، ۲۷۷).

۱. همچنین بنگرید به: میرباقری، م (۱۳۸۷)، مبانی نظری نهضت، قم: فجر ولایت، ص ۱۵۵؛ نصیری، م (۱۳۸۷)، اسلام و تجدد، تهران: کتاب صبح، ص ۱۲ و ۴۵ - ۴۷ و ۱۰۶ - ۱۲۰؛ فراتی، ع (۱۳۸۹)، روحانیت و تجدد، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص ۳۶۷ - ۳۸۰.

۲. کسانی مانند سعید زیباکلام، خسرو باقری و عبدالکریم سروش به این نظریه توجه دارند. بنگرید به: (فراتی، ۱۳۸۹: ۲۲۵ - ۲۲۷).

۳. کسانی مانند سید حسین نصر، مهدی گلشنی و آیت الله جوادی آملی از طرفداران این تفکر به شمار می‌آیند. بنگرید به: (فراتی، ۱۳۸۹: ۲۷۷).

فارغ از رد یا قبول دیدگاه‌های یادشده، برای طرفداران علم دینی مسلم است که علم منشئی الهی و وحیانی دارد. وحی راه شناخت و آگاهی مطلق است و دانش الهی، عالی‌ترین مرتبه دانشی‌ست که می‌شناسیم (اعوانی، همان).

مقصود از علم دینی همان علم در فرهنگ اسلامی است که بار معنایی خاص و مؤلفه‌های متمایزی دارد:

۱. علم دارای مراتب و درجاتی‌ست که حد اعلای آن علم الهی‌ست که نظام تکوین محصول همان علم است (پارسانیا، ۱۳۸۳: ۱۴۹-۱۵۱).
۲. بهترین علوم آن است که به شناخت انسان و اصلاح او بیانجامد و راه سعادت را فراروی انسان بگشاید (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۳۲)، و بدترین علوم آن است که به اصلاح انسان راهی نیابد و در دنیا متوقفش سازد. علم ارزشمند آن است که در انسان تأثیر بگذارد (همان: ۴۵) و اوج این تأثیرگذاری، خشیتی است که انسان دانشمند نسبت به خدا به دست می‌آورد و غیرعالم، به این مقام نمی‌رسد (قرآن، فاطر: ۲۸)، و هنگامی که این خشیت برای عالم حاصل شود تمام وجود او متحول می‌شود و همه فضایل برایش به ارمغان می‌رسد و موجب ماندگاری او می‌شود (آمدی، همان: ۴۷).

۳. ارزش انسان‌ها بر حسب علم و عقل آنان اندازه‌گیری می‌شود (همان: ۴۲). علم امری مقدس، پایه فضیلت‌ها و ریشه همه خوبی‌هاست (همان: ۴۳)، از همین رو احترام گذاشتن به عالم، اصل مسلم در فرهنگ اسلامی به شمار می‌رود که این احترام در واقع تکریم فضیلت‌ها و در نهایت، تقدیس خداوند است (همان: ۴۷).

۴. در نگرش دینی، علم از سویی همنشین ایمان است که از هم جدایی ندارند (همان: ۴۷) و از سویی با عقل همدم است، زیرا علم چراغ عقل است (همان: ۴۳). عقل نیز به تأیید علم اقدام می‌کند و مرکب علم می‌شود (همان: ۳۵)، و بدین ترتیب، عقل و علم همراه هم و متحدند (همان: ۴۷). عقل در هندسه معرفت دینی جای خود را می‌یابد و دین‌داری هرکس به اندازه عقل او خواهد بود (همان: ۵۰). بنابراین علم و عقل، و دین و ایمان، دوشادوش یکدیگر، انسان را به سعادت رهنمون خواهند شد (همان: ۴۶).

۵. با ملاحظه آنچه گفته شد، و با مرور پیشینه علم در تفکر اسلامی، هیچ تعارضی میان علم و دین، به نحوی که رشد یکی با انحطاط دیگری همراه باشد مشاهده نشده است، جز در دوره معاصر، که برخی از تحصیل‌کردگان غربی سعی کردند تعارضی را که در مسیحیت میان



علم و ایمان بود (مسیحیتی دوره ایمان‌گرایی‌اش، دوره انحطاط علم بود و دوره علم‌گرایی‌اش، دوره انحطاط ایمان)، در ادیان دیگر، از جمله اسلام ناب نیز وارد بدانند.

۶. در نگرش دینی علمی حقیقتاً علم شمرده می‌شود که بتواند نگرش توحیدی را در اندیشه، خلق‌و‌خو، و رفتار انسان متجلی سازد و در غیر این صورت فضل است نه علم (کلینی، ۱۳۸۳: ۳۲). بسیاری از علوم، مانند نجوم و طب، تاریخ و... می‌توانند علم باشند نه فضل. اما در صورتی که به منزله بحث از آیات و نشانه‌های خداوند و با نظر عبرت مطالعه و بررسی شوند، داخل در «آیه محکم» قرار می‌گیرند (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۲۳۴). علوم جدید می‌توانند با چنین نگاهی متحول شوند. مثلاً زیست‌شناسی و فیزیک، که درباره تحولات زیستی و کیهانی بحث می‌کنند، اگر به خالق این تحولات توجه کنند، مصداق «آیه محکم» خواهند بود. اگر علم اقتصاد عدالت را سرلوحه و هدف خود قرار دهد و در جهت تحقق معیشت عادلانه خداپسندانه در زندگی آدمیان باشد، مصداقی از «فریضه عادل» خواهد بود. همچنین علمی مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت و... اگر در پی تحولی توحیدی در خلق و خوی فرد و جامعه برآیند، مصداق روشنی از «سنت قائمه» خواهند بود.

۷. اگر علم بتواند به نحوی شایسته در اندیشه، خلق‌و‌خو و رفتار انسان تجلی کند و نگرش توحیدی را در وی تثبیت کند، از آنجا که این نگرش همواره همراه آدمی می‌ماند، چنین علمی در قیامت نیز به کار انسان خواهد آمد، و بدین صورت علم حقیقی برای انسان محقق خواهد شد، چراکه تا ابد ماندگار است.

این‌گونه بود که در تاریخ تمدن اسلامی، حتی پزشکان — هنگامی که از تأثیر معالجات و داروها بر جسم انسان سخن می‌گفتند — نگرش توحیدی را در ضمن مباحث یا هنگام درمان، یادآوری می‌کردند. با این روش، علاوه بر آن‌که علم را برای تأمین سلامت بدن به کار می‌گرفتند، بلکه آن رابه «آیه محکم» تبدیل می‌کردند: «این دوا را این‌گونه مصرف کن، تا به اذن‌الله این مرض مرتفع گردد» (جرجانی، ۱۳۸۴: ۶۷).

۵. سرچشمه علوم غربی

اندیشمندان غربی علوم فعلی را با توجه به اجتهاد عقلی خود به دست آورده‌اند و نمی‌توان کوشش آنها را به طور کلی قبول یا رد کرد. در اجتهاد امکان رسیدن به نتایج صحیح یا غلط به

۱. پیامبر [ص] «انما العلم ثلاثه: آیه محکم، او فریضه عادل او سنه قائمه و ما خلاهن فضل». ترجمه: «علم بر سه قسم است: یا نشانه‌ای محکم و قطعی [بر توحید] یا آنچه به اقامه واجبی [منجر شود] و یا آنچه سنتی را پا برجا نماید، و غیر از این‌ها فضل [= زیادی] است.





یک اندازه است. اما تقلید هم به هیچ وجه جایز نیست. تقلید و تعبد در هیچ علمی جایز نیست. به محض آن که در علمی تقلید کردیم و مطالب آن را به عنوان مسلمات پذیرفتیم، کار ما، در اصطلاح منطقی، به جدل (که مبتنی بر مسلمات و مشهورات است) ختم می شود، و آن دیگر علم نیست و ممکن است به جدال و مرأ هم بیانجامد و به کلی از عنوان علمی خارج شود. فضای علم، فضای تقلید نیست. علم مبتنی بر اجتهاد است و رسیدن به حقیقت از این راه میسر می شود. بنابراین هر چند نباید چشم بر علوم و اجتهادات دیگران ببندیم، اما مسلم گرفتن مبانی و دستاوردهای آنها نیز صحیح نیست. تنها وحی را باید مسلم گرفت (اعوانی، همان).

۶. بازگشت به توحید علمی

باید بپذیریم که علوم جدید، دستاورد تمدن غربی است و از اساس بر نگرشی الحادی استوار است. این نگرش کفرآمیز در تمام ارکان علوم جدید نفوذ کرده و از آغاز هم با نفی علم الهی و نفی ادیان پدید آمده اند. این علوم، به جهان اسلام نیز راه یافته اند و به کار رفته اند. متأسفانه فلاسفه و دانشمندان الهی نتوانسته اند مواجهه شایسته ای با این علوم برقرار کنند. اکنون راه چاره چیست؟ به نظر می رسد باید دوباره وحدت طولی علوم در سطوح مختلف پدید آید. اسلام دین توحید است، و باید به توحید علمی برسیم؛ یعنی مراتب و ارتباط علوم را جزئی از یک جریان الهی بدانیم و همه چیز را در جای خود و با حفظ مراتب در نظر بگیریم تا دوباره بتوانیم نسبت به این علوم نگاهی الهی پیدا کنیم. باید تعبد و ترجمه زدگی در علوم انسانی را رها کنیم تا وارد عرصه نواندیشی علمی و نظریه پردازی دینی شویم (رحیم پور، ۱۳۸۹). باید فرهیختگان برجسته مسلمان، با همتی بلند و تلاشی طاقت فرسا و عزمی جمعی، برای تحقق آن بکوشند (اعوانی، همان). در علوم انسانی نمی توان کاری را ناگهانی انجام داد. اما اعتماد به نفس، بی باکی، حضور و جهت گیری انقلابی، عزم و اراده برای تحقق نهضتی نو در علم، برای تولید علوم انسانی - اسلامی ضرورت دارد (رحیم پور، ۱۳۸۹).

مدیریت دانش^۱ و ابزارهای فناورانه

۱. ضرورت مدیریت دانش

میلیاردها موجود زنده در این دنیا متولد می شوند و می میرند. با همه نگرانی هایی که برای رشد

۱. «مدیریت دانش» غالباً معادل Knowledge Management به کار می رود. بین Science و Knowledge تفاوت فراوانی وجود دارد. اولی به تمامی آگاهی های بشر به طور کلی گفته می شود و دومی به فرایند خاصی از دانایی های ساخت یافته تجربی اشاره دارد، و در موارد فراوانی مدیریت دانش را به معنای مدیریت دانش سازمانی به کار می برند. بنابراین باید توضیح داد که در این جا مدیریت دانش به عنوان معادل این اصطلاح خارجی به کار نرفته است. در این جا دانش به معنای درک واقع، کشف حقایق، و فهم انسان از هستی است که مشتمل است بر مسائل خاص و حول محور و موضوعی مشخص.

روزافزون جمعیت از سوی اقتصاددانان ابراز شده است، جمعیت انسان به طور تصاعدی رو به فزونی است. اما انسان میراست و عمر جاودانه ندارد. چیزی که برای همیشه باقی می ماند، آثاری است که انسان از خود به جای می گذارد؛ از سنگ نوشته ها گرفته تا الواح گلین و متن ها و اسناد تاریخی، تا آن چه یک نسل می آموزد و از خود بر جای می گذارد، همگی بر انبوه دانایی های بشر می افزایند. بنابراین دانش مدون مرگ ناپذیر و توقف ناپذیر است. هر روز و هر ساعت در جهان هزاران کتاب، مجله، روزنامه و نشریه در شکل های گوناگون و به زبان های مختلف منتشر می شود و کوه استوار دانش هر آن عظمت بیشتری پیدا می کند.^۱ فزاینده حجم دانش چنان محسوس و مشهود است که نیازی به شرح و بسط بیشتر ندارد.

اگر در گذشته جمعیت زیاد نشانه نیروی ملی بود، امروزه دانایی است که نماد توانایی است، و دانش و اطلاعات است که میزان نیروی جامعه را نشان می دهد (ابرامی، ۱۳۷۹: ۶۱). بر اساس بعضی آمارها امروز در جهان در هر دقیقه یک اثر علمی تولید و ارائه می شود. برای نمونه در اواخر دهه ۱۹۷۰، تقریباً دو هزار و هفتصد مجله علمی رسمی در ایالات متحده منتشر می شد. این تعداد به طور متوسط سالانه ۲ تا ۳ درصد رشد داشته و جالب است که تقریباً نیمی از مجله های منتشر شده در ایالات متحده، در مورد علوم انسانی و علوم اجتماعی، و بقیه به علوم طبیعی و فنی مربوط بوده است (مولانا، ۱۳۸۴: ۱۲۱).

چنانچه این حجم روزافزون دانش به درستی مدیریت نشود، انبوهی درهم و نابسامان از مطالب علمی و غیر علمی پدید خواهد آمد. آنچه بر مجموعه دانش موجود افزوده می شود، سطح آن را به صورت پراکنده و نامنظم می پوشاند، بی آنکه در بالا بردن بنای رفیع دانش نقشی ایفا کند. کسی که بخواهد مرزهای دانش را گسترش دهد و رابطه میان دستاوردهای بشری و آموزه های وحیانی را کشف کند، ناگزیر باید به تمام نوشته هایی که در زمینه پژوهش او تولید شده مراجعه کند و این ممکن نیست مگر به یاری شیوه هایی علمی و نظام مند با بهره گیری از علم اطلاعات و ابزارهای نوین.

۲. نگاه پروژه ای به جای نگاه پروسه ای

دانش به خودی خود تولید نمی شود. عواملی آن را می سازند. شکل گیری هر دانشی بر اساس طرحی صورت می گیرد و بدون طرح و برنامه میسر نیست. به عبارت دیگر، تحقق علم، یک پروژه است نه یک پروسه. برای تولید علم به پدیدآوردگانی با اراده و هدفی مشخص نیاز

۱. درباره آماری از کتب، مجلات و متون آموزشی و مرجع، بنگرید: (مولانا، ۱۳۸۴: ۱۱۲-۱۲۵).



هست که طی فرایندی زمان‌مند و روندی تدریجی فعالیت کنند. از این حیث، دانش نیازمند مدیریت است. عوامل گوناگونی در تأسیس یک علم اثرگذارند، از قبیل شخصیت‌ها، نهادهای تفکر‌ساز، ساختارهای اندیشه‌ای، مراکز علمی - پژوهشی، مؤسسات و دستگاه‌های فرهنگی و علمی، نهادهای اجتماعی، نهادهای دینی، و... همه این‌ها در تولید و تکوین و تعالی علوم، نقشی تعیین‌کننده دارند.

انقلاب اسلامی با احیای نام و یاد اسلام، و نخبگان فرهیخته با رهبری مصمم و آگاه، زمینه‌ها و شرایط تاریخی فوق‌العاده‌ای برای تولید، احیا و توسعه دانش انسانی - اسلامی را فراهم آورده‌اند و انتظار می‌رود که پروژه بزرگ تولید و مدیریت دانش را در سطحی وسیع رقم زنند.

امروزه اسلام ناب به دلیل دشمنی‌های سرسختانه تمدن غربی، در یکی از دشوارترین شرایط و با انبوهی از موانع ساختگی و مخرب روبرو شده است. ایران اسلامی هم در نظر دوست و دشمن، گسترش دهنده فرهنگ و تمدن اسلام ناب شناخته شده است. حال اگر سخن هانتینگتون را در برخورد تمدن‌ها را درست بیان‌گاریم، و در میان هفت تمدنی که ذکر کرده است، اسلام را جزو سه تمدن تأثیرگذار بدانیم (هانتینگتون، ۱۳۸۲: ۱۷۹)، آیا به جز ایران اسلامی، نظامی الگو، و جامعه‌ای الهام‌بخش، پیشرو و تمدن‌ساز در حوزه تمدن بزرگ اسلامی خواهیم یافت که بتواند در ردیف تمدن‌های غربی و تمدن کنفوسیوسی و در معارضه‌ها آنها، آینده امیدبخش بشری را رقم بزند؟ قطعاً نه.

بی‌تردید روند پیشگامی ما در حوزه تمدن اسلامی معاصر، بر تولید علم مبتنی بوده و استقرار خواهد یافت. برای مقاومت و ایستادگی در برابر غرب انسان‌محور و ماده‌باور، چاره‌ای جز تمدنی‌اندیشیدن و تمدنی عمل کردن نیست (خرمشاد و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۶۱)، و این نیز با تولید علم انسانی - اسلامی میسر خواهد شد. با رویکرد پروژه‌ای به دانش و با تولید علم و مدیریت و سازمان‌دهی آن، افق‌های تازه‌ای در عرصه علم و فناوری خواهیم گشود و تمدنی جدید بر محور اسلام ناب، در مقابله با تمدن‌های الحادی مادی خواهیم ساخت. پروژه علم، تولید و سازمان‌دهی آن ضرورتی انکارناپذیر است و نظام اسلامی ما را کشوری توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی و علمی، با هویت اسلامی، و الهام‌بخش در جهان اسلام و منطقه (سند چشم‌انداز ۱۴۰۴) خواهد کرد.

۳. تکنولوژی و مدیریت دانش

دریای دانش و پژوهش هر دم پهناورتر می‌شود و چاره‌ای جز مدد گرفتن از تکنولوژی جدید



نیست. فناوری جدید تحولاتی به بار آورده که آنرا انقلاب اطلاعات^۱ یا انفجار اطلاعات خوانده‌اند. انقلاب تکنیکی، تحولات وسیعی در شیوه‌های گردآوری، نگهداری، بازیابی و اشاعه اطلاعات پدید آورده است و شبکه‌های جهانی، رایانه‌ها و صنعت پیش‌رونده موبایل و دیگر ابزارهای الکترونیکی، میدان این کار را بیش از پیش گسترده‌تر کرده‌اند.

فناوری امکان جمع‌آوری، نگهداری و تجمیع دانش‌ها را در حد وسیعی فراهم می‌سازد. حجم انبوهی از اطلاعات در مقیاس‌هایی چندین هزار برابر کوچک‌تر از قالب‌های پیشین در سیستم‌های فنی جدید جای می‌گیرند. اما صرف کوچک کردن حجم و تجمیع انبوه دانش بدون در فضایی کم، هرچند با قابلیت‌های بسیار مؤثر و کارآمدی همراه باشند، کافی نیست. نگهداری این حجم گسترده، زمانی اهمیت می‌یابد که استفاده و بهره‌گیری از آن مورد نظر باشد و کاربرد به آن چه می‌خواهد، بی‌کم و کاست دسترسی داشته باشد (حری، ۱۳۸۹). فناوری این امکان را مهیا می‌سازد که به جای استفاده از قالب‌ها و شیوه‌های ساده پیشین، بتوان با بهره‌گیری از نظام مدیریتی چند وجهی (مدیریت دانش، مدیریت فنی و...)، دانش‌های بدون را به شکل مناسبی مدیریت کرد.

۴. رشد نیافتگی مدیریت دانش در بعد جهانی

در دهه‌های اخیر، تحقیق درباره جریان اطلاعات رشد فوق‌العاده‌ای داشته است، اما در میزان رشد خود اطلاعات — که منجر به مدیریت و تولید دانش می‌شود — موفقیت قابل قبولی حاصل نشده است. مدعای اصلی مطالعه حاضر این است که وضعیت فعلی دانش‌ها در فرایند مدیریت علوم، به دلیل گرایش بر تجمیع داشته‌های علمی و تأکید بر کمیت‌آفرینی، و همچنین کمبود تحقیقات زیرساختی و فعالیت‌های اصولی و نظام‌مند دانش‌مدار، تا حدود زیادی با مشکل مواجه است. برای مدیریت دانش بشری بررسی کاملی صورت نگرفته است و تغییر رویه‌ای مشاهده نمی‌شود. به رغم این کمبودها، امروزه نسبت به دهه قبل، در وضعیت بهتری برای ارائه اطلاعات قرار داریم، اما برای مدیریت دانش، با آنچه حقیقتاً باید به سمتش حرکت کنیم، فاصله زیادی داریم و همچنان در نظر و عمل، به کندی پیش می‌رویم (حری، همان).

مشخصاً در حوزه علوم انسانی - اسلامی با کم‌کاری زیادی مواجهیم که باید در جهت جبران آن گام برداریم. ما با چالش‌های مهمی در نظر و عمل روبرو هستیم. برای جهت‌گیری درست و مطلوب این فرایند، نیازمند بررسی‌ها و اقدامات جدی، اصلاح نگرش‌ها، راهبردها



و راهکارها هستیم. نگرشها و جهتگیری‌های نو در مدیریت اطلاعات و خروج از جریان صرف در اطلاعات، و تبیین سیاست‌های بین‌المللی مدیریت دانش‌های اسلامی و... از جمله اقداماتی است که باید مد نظر قرار گیرد. توجه به توازن تحقیقات مربوط به دانش‌های اسلامی، محورهای پژوهشی مورد نیاز جامعه جهانی در بعد انسانی - اسلامی، چالش‌های توسعه انسانی بر اساس نظریه‌های اقتصادی غربی (صنعتی‌گرایی)، دین‌زدایی از اندیشه، شخصیت و ارتباطات (سکولاریزاسیون)، توسعه دیدگاه شهروند جهانی، یکپارچگی در فرهنگ جهانی و... از جمله مسائل مهمی است که بایستی در سه سطح نگرش‌ها، راهبردها و راهکارها مورد بررسی و دقت نظر قرار گیرد.

در همه مراحل، راه درست آن است که به دنبال اعتلای انسان و احترام و عزت او باشیم. این در حقیقت همان چیزی است که حرکت‌های انقلابی جهان امروز نیز خواهان آن است.^۱

۵. ضرورت بازنگری در شیوه‌های متداول

امروزه تغییرات با شتاب فراوانی رخ می‌دهند. جهان به سرعت در حال تغییر است. بسیاری از مهارت‌های اساسی و بخش عمده دانشی که مردم در مدارس، دانشکده‌ها، دانشگاه‌ها، حوزه‌ها و مراکز علمی کسب می‌کنند، دائماً در معرض قدیمی شدن قرار دارد. این امر به ویژه در حوزه علوم فنی - مهندسی و فناوری‌ها مشهودتر است. برای مقابله با کهنگی‌پذیری مهارت‌ها و دانش‌ها، نیازمند بازنگری و به‌روزرسانی مداوم در «دانش‌ها» و «روش‌ها»، و توسعه مهارت‌های فردی، و کسب مهارت‌های روزآمد و تداوم فعالیت‌های حرفه‌ای هستیم.

مهارت‌ها، اطلاعات و دانشی که امروزه با آنها سروکار داریم، تا حد زیادی با آنچه که احتمالاً در سال‌های آینده مواجه خواهیم بود، تفاوت خواهد داشت. برای مقابله با این تحولات سریع، لازم است به مدیریت علوم و تقویت زیرساخت‌های آموزشی و پژوهشی سنتی خود پردازیم، تا از این طریق، از قدیمی شدن اطلاعات، مهارت‌ها و دانش خود پیشگیری کرده و به ارتقا و توسعه آنها دست پیدا کنیم. استفاده از فناوری جدید و منابع فراگیری مانند پایگاه‌های سازمان‌یافته اطلاعات علمی^۲، لوح فشرده، شبکه‌های اینترنت و اینترنت، و دیگر محمول‌های اطلاعاتی نوین، هرچند خود دستخوش تغییر و تحولند، اما نقش کارآمد و مؤثری در تحقق



۱. برای نمونه، بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه و همچنین تحولات جهانی در مقابله با قدرت سرمایه داری غربی (جنیش وال استریت، ۲۰۱۱م).

۲. برای نمونه می‌توان به پایگاه تخصصی اصول فقه اشاره کرد: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.

این هدف دارند. هرچند کاربران برای دستیابی به فناوری‌های جدید و ایجاد زیرساخت‌های مناسب اجتماعی و فرهنگی با مشکلاتی هم مواجه خواهند بود، ولی حمایت از این رویکرد از سوی تصمیم‌گیران فرهنگی، می‌تواند در رفع این مشکلات مؤثر باشد. به طور کلی، ایجاد شبکه‌های حمایتی انسانی و فنی مناسب باید مورد توجه جدی واقع شود.

۶. تأثیر فناوری بر مدیریت دانش در جوامع اسلامی

از انقلاب اسلامی ایران تا حرکت مسلمانان در سراسر دنیا، از انتفاضه فلسطین تا همبستگی اجتماعی، فرهنگی در کشورهایی مانند ازبکستان، تاجیکستان، بوسنی، و بیداری کشورهای عربی مسلمان (از ۲۰۱۱ تا کنون)، احزاب و گروه‌های اسلامی از زیرساخت‌های غنی و سستی مانند مساجد، مدارس مذهبی، هیئت‌ها و غیره، و نیز از فناوری‌های جدید مانند ارتباطات از راه دور، نوارها، نمازها، ماهواره‌ها، اینترنت و اینترنت، و شبکه‌های اجتماعی مجازی، برای رسیدن به اهداف اجتماعی و فرهنگی خود استفاده کرده‌اند.

در قلمرو فرهنگ و آموزش نیز، شبکه‌های ارتباطاتی نقش بسزایی در جوامع اسلامی ایفا کرده است. قدرت عالمان مذهبی در جوامع اسلامی و نقش آنها به عنوان گنجینه‌های دانش و پایگاه‌های داده‌های دینی، به عنوان مراجعی که می‌توانند به صورت آنی با نقل از قرآن و احادیث به ارائه دانش دینی بپردازند، گسترش یافته است و فناوری‌ها و شبکه‌های نوین اطلاعاتی موجب تولید ارزش افزوده در علوم انسانی - اسلامی، و تغییر رویکردها و پارادایم‌ها شده است. امروزه رویکردهای جدید به سمت تولید دانش و نظام‌های دانش‌مدار است. قابلیت دسترسی گسترده و سازمان‌یافته برای مخاطبان (برای هر کس در هر کجا) از دستاوردهای فناوری و نظام‌های اطلاعاتی نوین است.

استفاده گسترده از این ابزارها و شبکه‌ها نشان‌دهنده قابلیت عظیم آنها برای مدیریت دانش در جوامع اسلامی است. استفاده از رایانه‌های شخصی، در کشورهای مسلمان، مانند مالزی، پاکستان، مصر و ایران گسترش یافته است. منابع اصلی علوم و معارف اسلامی در قالب دیسک و سی‌دی و دی‌وی‌دی و یا تحت وب و شبکه قابل دسترسی شده‌اند و توسط پژوهش‌گران مورد مطالعه و نقد قرار می‌گیرند. انبوهی از پایگاه داده‌ها در زمینه قرآن، حدیث، احکام و دانش‌های مختلف اسلامی - انسانی، این متون را در دسترس محققان قرار می‌دهند.

البته این پایگاه‌ها برای کاربران غیرمتخصص، امکان استدلال مستقل و رسیدن به فهم و یا تفسیر جدیدی از متون بنیادی فراهم نمی‌کنند. از این رو، افراد باید بر اساس ملاک‌های سستی





و با رجوع به استادان و دانشمندان اسلامی عمل کنند. هر چند این امکان نیز وجود دارد که شبکه‌ای از بانک‌های اطلاعاتی سنتی و جدید، با استفاده از نظام‌های معنایی^۱ در ایجاد زمینه‌هایی برای تعامل پژوهشگران جوان و استادان محقق کمک کند.

در صورتی که نظام‌های معنایی اثرگذار در مدیریت دانش با نظام‌های هوشمند فناوری تلفیق شوند (در قالب نسخه‌های دیجیتالی متون و منابع به صورت صوتی، تصویری، متنی و...)، از سوی متخصصان و پژوهشگران (از جمله حقوق‌دانانی که از دیدگاه اسلامی به ارائه ادله می‌پردازند، پزشکانی که با پرسش‌هایی در زمینه اخلاق حرفه‌ای مواجه‌اند، و اندیشمندانی که به دنبال حمایت علمی از طرح‌های خود هستند) مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

در آینده‌ای دور یا نزدیک، پایگاه‌های عمومی و تخصصی اطلاعات و سامانه‌های هوشمند مبتنی بر نظام‌های معنایی منسجم (مانند اصطلاح‌نامه‌ها)^۲ تحت شبکه، در فضاهای علمی و آموزشی کاربرد بیشتر و مؤثرتری خواهند یافت، و این جاست که تأثیر عمیق مدیریت دانش و گسترش آن در شبکه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات نوین در تربیت نسل آگاه، مستعد و منتقد مسلمان مشاهده خواهد شد. با توجه به پراکندگی جغرافیایی امت اسلامی، چنین شبکه‌هایی تعداد زیادی از کشورهای اسلامی را از یک نظام واحد یکپارچه اطلاعاتی بهره‌مند خواهد ساخت. لازم به یادآوری است که ابزارهای فناوری جدید بدون دقت در چینش دانش‌ها، به ویژه دانش‌های انسانی - اسلامی، کارایی بهینه نخواهند داشت.

نظام‌های دانش‌مدار و مدیریت علوم انسانی - اسلامی

۱. اهمیت مدیریت علوم انسانی - اسلامی

علم در رأس فضیلت‌ها، ریشه همه خوبی‌ها، غایت همه کمالات، و مهم‌ترین قدرت است، و دانایی موجب توانایی است (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۱ و ۴۷). علم دارای مراتب و درجاتی است که قله آن علم الهی است و بهترین علم، آن است که به شناخت انسان و اصلاح او بیانجامد (همان، ۲۳۲، ۴۶، ۴۱). چنین نگرشی به علم، اهمیت و جایگاه ویژه علوم انسانی - اسلامی را نشان می‌دهد. نقش اصلی هر علمی، تأمین خواست‌های حقیقت‌جوی انسان در محدوده مسائل همان علم است،

۱. اصطلاح‌نامه‌ها (Thesaurus) و هستی‌شناسی (ontology) پیشرفته‌ترین نظام‌های معنایی و سازمان‌دهی دانش هستند که بر پایه مفاهیم برای نمایش موضوعی پیچیده بنا شده و به مدیریت دانش می‌انجامند.

۲. برای آگاهی بیشتر، بنگرید: یعقوب‌نژاد، م، و دیگران (۱۳۹۱)، مجموعه مقالات همایش ملی اصطلاح‌نامه و کاربردهای آن در محیط الکترونیکی، تهران: کتابدار.

ولی همه علوم می‌توانند به شیوه‌ای توأمان در شئون مادی و معنوی انسان مؤثر افتند و هدف‌های معالواسطه دیگری را نیز بر عهده گیرند. برای مثال، علوم طبیعی نقش مهمی در بهزیستی مادی انسان ایفا می‌کنند و علوم ریاضی، وسیله‌ای برای پیشرفت و تکامل آنها به شمار می‌روند (مصباح، همان: ۱۰۳) و اصولاً علوم پایه، اساس علوم بشرند، و پشتوانه و سرمایه مهم علوم به شمار می‌روند، ولی علوم انسانی - اسلامی، روح علوم‌اند، و علوم دیگر با کمک این علوم جهت می‌یابند و در جنبه‌های معنوی انسان نیز نقش مهم و ارزش‌مندی ایفا می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰)^۱ و نگرش توحیدی را در اندیشه، خلق و خو و رفتار انسان متجلی می‌سازند. مادام که علوم طبیعی، علوم ریاضی و هر علم دیگری با نگرش توحیدی و الهی تولید و مطالعه شود، آدمی را به کمال و سعادت رهنمون خواهد شد و به شکوفایی تمدنی درخور انسان خواهد انجامید.

با این تفصیل، تحول و مدیریت در حوزه علوم اسلامی - انسانی نیازی میان‌رشته‌ای است، چراکه نسبت به سایر علوم، اصیل‌تر، تأثیرگذارتر و حیاتی‌تر است. به همان نسبت، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و مدیریت این دانش‌ها، حساس‌تر و مهم‌تر خواهد بود. استفاده از دانش اطلاعات و ابزارهای فضای مجازی، و تبدیل آثار کاغذی به نسخه‌های دیجیتالی، ایجاد و گسترش پایگاه‌های تخصصی علوم انسانی - اسلامی، و وارد شدن درست و مدیریت‌شده این محصولات به محیط‌های نرم و گسترش‌پذیر سایبری، در مدیریت، ساماندهی، تولید و انتشار آثار علمی و اشاعه فرهنگ اسلامی مؤثر بوده و به ترویج فرهنگ دینی و گسترش این آثار در فضای فیزیکی و مجازی کمک خواهد کرد.

سودی نخواهد داشت اگر نتوانیم تحولات این حوزه‌های معرفتی را در محیط‌های مجازی و فیزیکی با سازمان‌دهی و مدیریت درست، به موازات هم دنبال کنیم. باید نسخه سنتی و دیجیتالی آثار علمی و فرهنگی را به موازات هم ساماندهی، مدیریت و توزیع کنیم. آنچه تاکنون، به خصوص در کشور ما و به ویژه در علوم اسلامی - انسانی، انجام گرفته است، عمدتاً انباشته کردن آثار و مواد الکترونیکی این علوم در یک سیستم بوده است، و تلبار کردن اطلاعات در یک سامانه نیمه‌هوشمند خود مشکل‌آفرین شده است. بنابراین باید محتوای آنها سازمان‌دهی و بر اساس اصولی از قبل طراحی شده مدیریت و ارائه شود.

۲. چینش منطقی علوم انسانی - اسلامی

وقتی استفاده از یک اثر علمی بدون تنظیم مطالب، عنوان‌گذاری درست و فهرست تفصیلی آن، مشکل و گاه ناممکن می‌شود، به طور قطع ورود به یک علم، بدون چینش منطقی آن، به

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نخبگان دانشگاهی، کرمانشاه، مهر ۱۳۹۰.





غایت دشوار خواهد بود. مخصوصاً اگر بخواهیم آن را در بستر فناوری‌های جدید با قابلیت سرعت، دقت، جامعیت و مانعیت دسترس‌پذیر کنیم. گواه این ادعا آن است که هر علمی، در مقام واقع، به نوعی تنظیم‌یافته تلقی شده است و در حقیقت از نظامی دانش مدار بهره‌مند است، تا جویندگان و پژوهندگان، آن علم را از سایر علوم تمییز دهند و در نحوه ورود به آن متحیر و سردرگم نمانند (حسن زاده، ۱۳۸۳).

به همین دلیل در طول تاریخ علم، متولیان علوم همواره سعی کرده‌اند، علم را بر اساس یک نظام دانشی معنادار و تقسیم‌بندی منطقی ارائه دهند. به عنوان مثال ارسطو پس از سقراط و افلاطون، فلسفه را اسم عامی برای همه علوم حقیقی دانست و به دو دسته کلی علوم نظری و علوم عملی تقسیم کرد. علوم نظری شامل طبیعیات، ریاضیات و الهیات بود. طبیعیات به کیهان‌شناسی، معدن‌شناسی، گیاه‌شناسی و حیوان‌شناسی؛ ریاضیات به حساب و هندسه و هیت و موسیقی؛ و الهیات به مابعدالطبیعه و خداشناسی منشعب می‌شد. علوم عملی نیز شامل اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن بود (مصباح، همان: ۲۷).

فلاسفه الهی، فلسفه را به الهیات به معنای اعم (شامل مباحث وجود و تقسیمات آن و ماهیت و مسائل جانبی آن)، و الهیات به معنای اخص (شامل مباحث مربوط به اثبات ذات، صفات و افعال خدا) تقسیم کرده‌اند. مسائل منطبق به دو بخش مهم تصورات و تصدیقات، و اصول فقه به اصول لفظیه و اصول عملیه تقسیم شده است. درباره فقه، به عنوان اساس علوم انسانی - اسلامی نیز تقسیم‌بندی‌های متفاوت و احیاناً متداخلی انجام شده است، مانند:

۱. تقسیم‌بندی سلار بن عبدالعزیز دیلمی (متوفی ۴۴۸ هـ) در کتاب *مراسم دیلمی*، ۱۴۱۴: (۸۲)، که فقه را به دو بخش عمده عبادات و معاملات، و بخش معاملات را نیز به عقود و احکام تقسیم کرده است. او اولین فقیه شیعی است که طرح مدونی برای طبقه‌بندی فقه ارائه کرد (حسن زاده، همان).

۲. تقسیم‌بندی ابوالصلاح حلبی، (۴۴۷ - ۳۴۷ هـ) (حلبی، بی تا: ۱۰۹).

۳. تقسیم‌بندی قاضی عبدالله بن براج طرابلسی، (۴۸۱ - ۴۰۰ هـ) (قاضی عبدالله، ۱۴۰۴: ۱۹).

۴. تقسیم‌بندی محقق حلبی (۶۷۶ - ۶۰۲ هـ) (محقق حلبی، ۱۴۰۳: ج ۸، ۸).

۵. تقسیم‌بندی شهید اول (۷۸۶ - ۷۳۴ هـ) (شهید اول، ۱۳۵۵: ج ۱، ۳۹-۳۷).

۶. تقسیم‌بندی سید محمد جواد حسینی عاملی، صاحب *مفتاح الکرامه* (متوفی ۱۲۲۶ هـ)

(حسینی عاملی، ۱۴۱۸: ج ۸، ۳).

۷. تقسیم‌بندی فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۰ هـ) (فیض کاشانی، ۱۴۰۱: ج ۱، ۳۶).

۸. تقسیم‌بندی شهید محمدباقر صدر (۱۹۳۱ - ۱۹۷۹ م) (صدر، ۱۴۲۴: ج ۱، ۱۳۴-۱۳۲).

۹. تقسیم‌بندی آیت‌الله علی مشکینی (۱۳۰۰ - ۱۳۸۶) (مشکینی، ۱۴۱۸: ۱۴-۱۳).

۱۰. تقسیم‌بندی در فقه شافعی (محمد بن ادریس شافعی، ۱۵۰ - ۲۰۴ق) (محمصانی، ۱۹۷۵: ۲۰).

همان‌گونه که در علوم دیگر نیز تقسیم‌بندی‌هایی ارائه داده‌اند و بزرگان علم و دین برای چینش منطقی علوم به طبقه‌بندی علوم پرداخته‌اند. از ارسطو، در قرن چهارم پیش از میلاد تا اندیشمندان مسلمان (فارابی، ۱۳۴۸: ۱۳۳) و اندیشمندان غربی، تلاش‌های بسیاری در این زمینه صورت گرفته است. تا آن‌که از قرن شانزدهم، و به ویژه در دوره معاصر، درباره چینش کتابخانه‌ها فعالیت‌هایی صورت گرفته و به پیدایش طبقه‌بندی و رده‌بندی گسترده کتابخانه‌ای انجامیده است (ابرامی، ۱۳۷۹: ۱۴۶-۱۵۵). برای تنظیم کتاب و کتابخانه که نماد اصلی دانش مدون و مهم‌ترین سرمایه فرهنگی در جوامع مختلف به شمار می‌رود، اقدامات بزرگی شده است. در مرور تاریخی کتابخانه‌ها، ابتدا به کتابخانه‌های سنتی برمی‌خوریم که منابع به صورت چاپی و دست‌نوشته در آنها نگهداری می‌شد. در دوره بعد کتابخانه‌های خودکار مطرح شدند، و پس از آن کتابخانه‌های الکترونیکی به وجود آمدند. کتابخانه دیجیتال بعد از کتابخانه الکترونیکی به وجود آمد، که در آن کلیه منابع چاپی به طور کامل به قالب دیجیتال تبدیل می‌شوند و کتابخانه‌ها از نظم و چینش متناسبی بهره‌مندند (یعقوب‌نژاد، ۱۳۸۸).

با توجه به این‌که کتاب و کتابخانه جزو سرمایه‌های اصلی علمی و تمدنی هر جامعه‌ای، از جمله جوامع اسلامی‌ست، می‌بایست از تکنولوژی‌های مؤثری مانند فضای مجازی، در تنظیم، نگهداری، ترویج و گسترش آن استفاده کرد. برای به کارگیری این تکنولوژی قواعد و اصولی وجود دارد که با استفاده از آن و اصلاح، تکمیل و یا ایجاد عناصر لازم می‌توانیم از این مسیر عبور کنیم. یکی از الزامات اساسی کتابخانه‌ها (سنتی و دیجیتال) سازمان‌دهی آنهاست. همان‌طور که تدوین اصطلاح‌نامه‌ها (تزاروس) در سازمان‌دهی دانش مدون انسانی به عنوان یک زیرساخت مورد توجه است. سازمان‌دهی دانش مکتوب به ویژه در قالب دیجیتال، تنها از طریق زبان‌های کنترل‌شده مانند تزاروس (اصطلاح‌نامه) ممکن و مطلوب است، که کارشناسان و متخصصان با مراجعه به فایل‌های الکترونیکی منابع مدون، موضوعات مختلف را شناسایی کرده و با استفاده از تزاروس‌ها اصطلاح و موضوع تأییدشده را به متن تخصیص می‌دهند و تمامی منابع و جایگاه موضوع و یا موضوعات آنها را در فرمی قابل استفاده ارائه می‌کنند. با این

۱. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: رویکردهای دانش مدار در تدوین اصطلاح‌نامه، سید مهدی طاهری و دیگران، (مقاله) کتاب ماه کلیات، ۱۷۱، ص ۸. (۱) اصطلاح‌نامه‌ها توسط گروه‌های علمی تدوین می‌شود و اصولاً به صورت فردی، نه قابل انجام است و نه قابل قبول



اقدام، یک بار متن کتب و دانش مدون موضوع‌نگاری و ایندکس موضوعی شده و به صورت تمام‌متن سازمان‌دهی و قابل استفاده می‌شود. این عمل یکی از پایه‌های اصلی برای تنظیم صحیح منابع اسلامی - انسانی و تحقق مدیریت علوم ما به شمار می‌آید، و جز خود ما کسی قادر به انجام آن نیست.

۳. سازمان‌دهی علوم انسانی - اسلامی، نگرشی میان‌رشته‌ای

هر چند تاکنون، بخش عمده‌ای از توان علمی اندیشمندان و سازمان‌های علمی - پژوهشی، برای انجام مطالعات درون‌رشته‌ای به کار رفته است، ولی امروزه مطالعات میان‌رشته‌ای به ضرورتی انکارناپذیر در فرایند توسعه دانش تبدیل شده است (شریف‌زاده، ۱۳۸۹).

مقاله حاضر، ضمن آن‌که درباره مدیریت دانش و اهمیت تحقق آن در علوم انسانی - اسلامی بحث می‌کند، بر آن است که سازمان‌دهی و مدیریت این علوم از لحاظ ماهیت و اثربخشی و جنبه‌های فرهنگی - اجتماعی، فراتر از دغدغه‌های یک سلسله مطالعات درون‌رشته‌ای است. سازمان‌دهی دانش نگرشی تخصصی‌ست که از کنکاش در رشته‌های مختلف علوم انسانی - اسلامی، علم مدیریت، مدیریت دانش، و روش‌شناسی‌های متنوع در فرایندی به هم پیوسته به شناخت عمیق و دقیق الگویی متناسب با ساختار این رشته‌ها منتهی می‌شود. بنابراین رویکرد میان‌رشته‌ای اجتناب‌ناپذیر است.

سازمان‌دهی علوم انسانی اسلامی با پایبندی صرف به مطالعات درون‌رشته‌ای میسر نمی‌شود و لازم است که کارشناسان، متخصصان و اندیشمندان رشته‌های مختلف، پا را از مطالعات درون‌رشته‌ای فراتر بگذارند و رویکرد میان‌رشته‌ای را به عنوان نیازی مهم مورد توجه قرار دهند. این نیاز زمانی آشکار می‌شود که نقش فوق‌العاده علوم مختلف را در کیفیت و کمیت علوم دیگر درک کنیم و از منظری راهبردی به آن توجه نشان دهیم. سازمان‌دهی این علوم (با نگاهی میان‌رشته‌ای) می‌تواند نقش مهمی در توسعه مطالعات بین‌رشته‌ای در بخش‌های تخصصی علوم دیگر ایفا کند و به گشودن افق‌های تازه پژوهشی در این میدان بیانجامد^۱.

۴. از قافله تحولات مجازی دنیا عقب نمائیم

امروزه هر کتابی که در دنیا چاپ می‌شود، فایل الکترونیکی آن در لوح فشرده همراه کتاب عرضه می‌شود. این رویه در جوامع توسعه یافته بسیار رایج است و قوانین خاص خود را دارد.

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره مباحث و مطالعات میان‌رشته‌ای، بنگرید:

*National Academy of Sciences, National Academy of Engineering & Institute of Medicine, Facilitating Interdisciplinary Research, Washington, DC, National Academies Press, 2005.

* Repko, A. Integrating interdisciplinarity, Issues in integrativestudies 25, 2007, 1-31



در جامعه ما هنوز نسبت به این موضوع تردیدهایی وجود دارد. بعضاً تصور می‌شود که انتشار نسخه الکترونیکی مانع فروش نسخه‌های چاپی می‌شود. به نظر می‌رسد تا زمانی که نگاه بازاری و اقتصادی به کتاب نسبت به نگاه فرهنگی غلبه داشته باشد، برای پیوستن به روند دیجیتالی شدن اطلاعات با مشکلات اساسی مواجه خواهیم بود.

نتیجه بحث

به طور کلی درباره ماهیت علم دو تلقی عمده وجود دارد:

یک: دانش در معنای عام، یا معرفتی که در قالب یک گزاره، قابل بیان شدن است. بنابراین «علم انسانی - اسلامی» یعنی گزاره‌های معرفت بخش انسانی - اسلامی.

دو: رشته علمی، که به معنای یک نظام منسجم معرفتی است که از تنظیم و ترکیب چندین گزاره حاصل می‌شود. بنابراین «علوم انسانی - اسلامی» به رشته‌های علمی و مجموعه‌های معرفتی مشخصی که به نحوی انسانی، دینی، و اسلامی باشند، اطلاق می‌شود. از این رو، با ملاحظه آنچه پیش‌تر گفته شد، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. وقتی بحث از علم انسانی - اسلامی می‌کنیم، تلقی دوم بیشتر مد نظر است؛ یعنی مجموعه گزاره‌هایی که روی هم رفته یک نظام معرفتی منسجم و مشخصی را به عنوان یک رشته علمی تشکیل می‌دهند. لذا جدای از بحث علم به منزله یک گزاره (که در بسیاری از موارد، زیربنای بحث علوم است)، باید نگاهی به علوم انسانی - اسلامی به منزله مجموعه‌ای از گزاره‌های معرفتی داشته باشیم که از انسجام معنایی به هم پیوسته و ساختاری منظم برخوردارند.
۲. تحول و مدیریت در حوزه علوم اسلامی - انسانی نیازی میان‌رشته‌ای است. چرا که نسبت به سایر علوم، اصیل‌تر، تأثیرگذارتر، و حیاتی‌تر است، و می‌تواند در همه علوم نقشی راهبردی بر عهده گیرد. علم اسلامی ویژگی‌هایی دارد و البته، این واژه فراتر از چیزی است که در حوزه‌های علمیه تدریس می‌شود (که عموماً ناظر است بر علومی که به شرح و فهم و استنباط از متون دینی می‌پردازند). در حقیقت در علوم حوزوی نیز باید به «علم دینی» یا «علم اسلامی» توجه شود.
۳. حقیقت علم، در مقام ثبوت، کشف واقع است، و این کشف ممکن است از واقعیت‌های مربوط به یک موضوع یا غایت معینی باشد، و راه کشف هم منحصر به ادراک حسی و تجربی نیست. عقل و نقل (آموزه‌های وحیانی)، شهود (عرفان)، و عقل محض (فلسفه)، نیز وسیله دریافت حقایق‌اند.
۴. ماهیت و هویت هر علمی، از جمله علوم انسانی - اسلامی، تحت تأثیر مجموعه‌ای

1. knowledge
2. discipline



از گزاره‌ها و عناصر معرفتی و غیرمعرفتی است که در قالب اصطلاحات تبلور یافته و ابراز می‌شوند، زیرا معانی به وسیله مفاهیم صورت‌بندی می‌شوند، و از طریق اصطلاحات و واژه‌هایی خاص اظهار می‌شوند. (در علم اصطلاح‌شناسی، اصطلاحات وسیله ارتباط بین علماست، همان‌طور که در علم زبان‌شناسی، زبان وسیله ارتباط بین انسان‌هاست).

۵. عقل انسان عالم، همواره با مفاهیم سروکار دارد. مفاهیم و معقولات، ابزار اصلی اندیشیدن و استدلال کردن‌اند، ولی نقل و انتقال اندیشه‌ها و تفهیم و تفهیم‌های علمی، به وسیله اصطلاحات صورت می‌گیرد. بنابراین، اصطلاحات در ارائه مفاهیم علمی و ایجاد فرهنگ مفاهیم میان اندیشمندان نقش اصلی بر عهده دارند.

۶. اصطلاحات علمی نماد ارتباطات علم به شمار می‌روند و در حقیقت موجود زنده فضای علم محسوب می‌شوند. در صورتی که این نمادهای علمی به درستی شناسایی و تنظیم شوند، انعکاسی از واقعیت‌های موجود در علم خواهند بود.

۷. شناسایی، تنظیم و طبقه‌بندی این اصطلاحات و ترسیم درختواره علوم انسانی - اسلامی^۱، (یعنی طراحی و تدوین اصطلاح‌نامه‌ها) گامی اساسی و اقدامی زیرساختی در مدیریت داشته‌های علمی این رشته‌ها به شمار می‌آید، همان‌طور که سلف صالح ما به فراخور نیازهای زمان خویش نیز تلاش‌هایی برای سازمان‌دهی مصطلحات علوم انجام داده‌اند.

۸. در اصطلاح‌نامه‌ها، این مفاهیم علمی در فرم اصطلاحات یا واژگان علمی نمایان می‌شوند، که میان آنها در هر رشته علمی روابطی منطقی و نظام معنایی دقیقی وجود دارد و نهایتاً ساختار دانش‌مدار علوم را ترسیم می‌کنند.

۹. ارتباط میان منابع و اشیای مختلف (متون و مدارک علمی، صوت، تصویر و...) و نظام اصطلاح‌نامه (به خصوص با استفاده از فناوری شبکه‌های مجازی) منجر به مدیریت اطلاعات علمی شده و زمینه ارتقای دانش‌ها و تولید علم را فراهم می‌کند. بنابراین برای آگاهی از داشته‌های علمی و همچنین مدیریت و توسعه علوم مسیری مناسب‌تر از سازمان‌دهی، توسعه و تغذیه مصطلحات علوم وجود ندارد.

۱۰. در صورتی که اصطلاح‌نامه جامع علوم انسانی - اسلامی طراحی و تدوین شود، و مبتنی بر درختواره آن، مدارک و متون مختلف و متنوع این علوم به صورت موضوعی به این ساختار

۱. اصطلاح‌نامه‌ها این وظیفه را بر عهده دارند. درباره اصطلاح‌نامه‌های تخصصی علوم اسلامی در رشته‌های علوم قرآنی، فلسفه اسلامی، اصول فقه، کلام اسلامی، منطق، اخلاق، علوم حدیث، فقه، روایان حدیث، حقوق، کلام جدید و ...، بنگرید: [www. Islamicdoc.org](http://www.Islamicdoc.org); - محمد هادی یعقوب نژاد و دیگران، بوستان کتاب قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی. - خسروی، ف. و دیگران (۱۳۷۴)، اصطلاح‌نامه اصف، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. - فولادی، الف (۱۳۷۲)، کتاب‌شناسی اصطلاح‌نامه‌ها، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

دانش مدار (اصطلاح‌نامه‌ها) مرتبط شود، حرکتی اصولی در مدیریت علوم انسانی - اسلامی حادث شده و امکان آگاهی سریع از مباحث موجود و تسلط نسبی بر داشته‌های علمی فراهم خواهد شد و افق‌های جدیدی در تولید دانش در این حوزه‌های معرفتی باز خواهد کرد. زیرا کاربرد و گسترش نظام‌های دانش یعنی اصطلاح‌نامه‌ها، ارتباط مستقیم با پیشرفت‌های علمی جامعه دارد.

۱۱. ما می‌توانیم با تدوین اصطلاح‌نامه‌های تخصصی خرد^۱ در رشته‌های مختلف این علوم، زمینه تحقق طرح بزرگ اصطلاح‌نامه کلان^۲ علوم اسلامی - انسانی را فراهم آوریم، و پس از آن با توصیف و تحلیل علمی و نمایه‌سازی موضوعی، با استفاده از سیستم نظام‌یافته و درختی اصطلاح‌نامه‌ها، و به کارگیری فناوری‌های نوین و ایجاد سامانه‌های هوشمند (تحت وب و شبکه‌های دیگر)، محتوای آثار اسلامی - انسانی خود را سازمان‌دهی و مدیریت کنیم. برای این کار باید فایل‌های الکترونیکی منابع این علوم (با استفاده از شیوه‌های شناخته شده در مدیریت دانش و بهره‌گیری از ساختار چندوجهی اصطلاح‌نامه) با مصطلحات آن در محیط مجازی مرتبط شود و با انتخاب و تنظیم برچسب‌های لازم، استفاده از منابع را به صورت موضوعی امکان‌پذیر سازیم.

باید توجه داشت که این اصطلاح‌نامه‌ها در سازمان‌دهی اطلاعات و مدیریت دانش اسلامی - انسانی، پایه و اساس سازمان‌دهی را شکل می‌دهند. تدوین‌کنندگان اصطلاح‌نامه، با استفاده از اصول و قواعد دقیق و رعایت استانداردها، واژه‌های مختلفی را که در منابع اطلاعاتی متنوع وجود دارد، شناسایی و استخراج می‌کنند و براساس روابط معنایی هم‌ارز، سلسله مراتبی، کلی و جزئی، و مفهومی و مصداقی، طبقه‌بندی می‌کنند و با در نظر گرفتن تعریف، موضوع، مسائل و گزاره‌های هر علم، و تعیین واژه‌های رأس و رده‌های اصلی، نظام‌واره طبقه‌بندی شده دقیقی از مفاهیم و مصطلحات آن علم به دست می‌دهند.^۳

درباره علوم انسانی - اسلامی، هنوز چنین اقدامی، به شکل کامل و جامع صورت نگرفته است. هرچند در رشته‌های علوم اسلامی، برای اولین بار، اصطلاح‌نامه‌هایی در حوزه علمیه قم تدوین شده و مورد استفاده بسیاری از مراکز علمی قرار گرفته است. در تعدادی از رشته‌های متداول علوم انسانی نیز اقداماتی شده است. اما علوم مرتبط با علوم اسلامی متعارف و همچنین علوم انسانی اسلامی مورد انتظار، بلا تکلیف مانده است.

بسیاری از متولیان امر تولید در عرصه علوم انسانی - اسلامی این انگاره را مسلم گرفته

1. micro-thesaurus

2. macro-thesaurus

۳. اصطلاح‌نامه‌ها توسط گروه‌های علمی تدوین می‌شود، و اصولاً به صورت فردی قابل انجام و قابل قبول نیست. برای نمونه، بنگرید: اصطلاح‌نامه علوم حدیث، گروهی از محققان، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، بوستان کتاب قم، ۱۳۹۰، (مقدمه).



و معتقدند که این علوم باید بر پایه نظریه‌ها و مبانی دینی و اسلامی پدید آید^۱ ولی از آنجا که تحقق آن مستلزم نقطه‌های آغازین و مباحث زیرساختی مهمی است که باید در قالب یک طرح علمی و مطالعاتی استقرا شده و مورد تحقیق و تدقیق قرار بگیرد^۲، لازم است که به نظام سازمان‌دهی و مدیریت دانش انسانی - اسلامی، از همان آغاز، توجه خاصی شود تا ضمن آگاهی از وضعیت دانش در این حوزه‌ها، و با وقوف بر حوزه‌های مرتبط، و تسلط نسبی بر دانش‌های علمی، زمینه خلاقیت، نوآوری و ارائه نظریات بدیع و بازشناسی نو از کهنه به دست آید و تعالی و تحول علوم و تولید علم در علوم انسانی - اسلامی سرعت بگیرد و نیل به مدیریت علمی و درست این علوم محقق شود.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۱۳۴

دوره ششم
شماره ۲
بهار ۱۳۹۳

۱. اولین کنگره بین‌المللی علوم انسانی - اسلامی که در اردیبهشت ۱۳۹۲ برگزار شد به دنبال تحقق همین امر است.
۲. بنگرید: مصاحبه علی اکبر رشاد، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۹۰/۳/۲۹.

منابع

- آمدی، ع (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، تحقیق مصطفی درایتی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابرامی، هـ (۱۳۷۹)، شناختی از دانش‌شناسی، تهران: کتابدار.
- طرابلسی، ع (۱۴۰۴)، المهدب، تحقیق جعفر سبحانی، قم: جامعه مدرسین.
- اعوانی، غ (۱۳۸۹)، ماهیت علوم انسانی در گفت‌وگو با دکتر اعوانی، سایت رهبری: ۹۲/۲/۱۲.
- خمینی، ر (۱۳۷۷)، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بی‌آزار شیرازی، ع، رساله نوین، ج ۱، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پارسانی، ح (۱۳۸۲)، علم و فلسفه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- تامپسون، ج (۱۳۶۶)، تاریخ اصول کتابداری، ترجمه محمود حقیقی، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جرجانی، الف (۱۳۸۴)، الاغراض الطیبه والمباحث العلاجیه، تصحیح حسن تاجبخش، تهران: دانشگاه تهران.
- حاجی خلیفه، م (۱۲۷۴)، کشف الظنون، مصر:
- حری، ع (۱۳۸۹)، نشست علمی روش‌شناسی دین‌پژوهی و اصطلاح‌نامه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حسن‌زاده، ح (۱۳۸۳)، بررسی ساختار فقه، فصلنامه قبسات، شماره ۳۲، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حسینی عاملی، م (۱۴۱۸)، مفتاح الکرامه، ج ۸، بیروت: دار التراث العربی.
- حکیمی، م (۱۳۷۱)، دانش مسلمین، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حلبی، ع (بی‌تا)، الکافی فی الفقه، قم: بصیرتی.
- خامنه‌ای، علی (۱۳۸۸/۶/۸)، سخنرانی، حسینیه امام خمینی تهران.
- خرمشاد، م و دیگران (۱۳۸۸)، انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۶، ص ۱۸۸ - ۱۶۱.
- خورسندی طاسکوه، ع (۱۳۸۸)، تنوع گونه‌شناختی در آموزش و پژوهش میان‌رشته‌ای، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۴، ص ۸۳ - ۵۷؛ شماره ۲، ص ۱۰۱ - ۸۵.
- مهرمحمدی، م (۱۳۸۸)، ملاحظات اساسی در باب سیاست‌گذاری توسعه علوم میان‌رشته‌ای، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۳، ص ۱ - ۱۸.
- خسروی، ف. و دیگران (۱۳۷۴)، اصطلاح‌نامه اصفاء، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- دامپی‌یر، و (۱۳۷۱)، تاریخ علم، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: سمت.
- دیلمی، س (۱۴۱۴)، المراسم العلویه فی الاحکام النبویه، قم: چاپ امیر.
- رحیم‌پور ازغدی، ح (۱۳۸۵)، اسلام مدرنیته، سخنرانی در دانشگاه تورنتو، نشریه کتاب نقد، شماره ۲۳.
- رحیم‌پور ازغدی، ح (۱۳۸۹)، علوم انسانی در نظر رحیم‌پور، پایگاه پاتوق کتاب، ir.bookroom.www.
- رشاد، ع (۱۳۹۰)، مصاحبه.
- سامی النشار مصری، ع (۱۹۶۵)، مناہج البحث عند مفکر الیاسلام، فصل پنجم، مصر: دارالمعارف.
- رحیم‌پور ازغدی، ح (۱۳۸۹)، ir.rahimpour.www.



خامنه‌ای، ع (۱۳۸۹)، www.ir.khamenei.

_____ (۱۳۹۰/۷)، سخنرانی، کرمانشاه.

سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، سایت دفتر مقام معظم رهبری،

9034.content?id.message.ir.khamenei.Farsi

سوزنچی، ح (۱۳۸۸)، *معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

شبکه اینترنتی آفتاب، ۱۳۹۲/۶/۳. www.aftabir.com

شریف‌زاده، م (۱۳۸۹)، *ضرورت مطالعات میان‌رشته‌ای و افق‌های نوین در مطالعات حقوق و اقتصاد در*

اسلام، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره دوم، شماره ۳، ص ۲۹-۱.

شهید اول، م (۱۳۵۵)، *القواعد و الفوائد*، ج ۱، قم: مکتبه داورى.

شیخ الاسلام، م (۱۳۵۸)، *راهنمای مذهب شافعی*، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.

صدر، م (۱۴۲۴)، *الفتاوی‌الواضحه*، ج ۱، قم: دارالنشر.

طاهری عراقی، الف (۱۳۷۶)، *رده BP/اسلام*، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

طاهری، م و دیگران (۱۳۹۱)، *کتاب ماه کلیات*، سال پانزدهم، شماره دوم.

طباطبایی، م (بی‌تا)، *پاورقی‌های اسفار در الحکمه‌المتعالیه صدرالدین شیرازی*، قم: مصطفوی.

فارابی، الف (۱۳۴۸)، *احصاء العلوم*، ترجمه حسین خدیو جم، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.

فرائی، ع (۱۳۸۹)، *روحانیت و تجدد*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

فولادی، الف (۱۳۷۲)، *کتابشناسی اصطلاح‌نامه‌ها*، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی.

فیض کاشانی، م (۱۴۰۱)، *مفاتیح الشرایع*، ج ۱، قم: مجمع الذخائر الاسلامی.

کاپلستون، ف (۱۳۸۰)، *تاریخ فلسفه*، ج ۴، ترجمه غلامرضا اعوانی، تهران: علمی و فرهنگی - سروش.

کلینی، الف (۱۳۸۳)، *الاصول من الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

محقق حلی، ح (۱۴۰۳)، *شرایع الاسلام*، ج ۱، بیروت: دارالاضواء.

محمصانی، ص (۱۹۷۵)، *فلسفه التشریح فی الاسلام*، دارالعلم للملایین.

جمعی از محققان، (۱۳۹۰)، *اصطلاح‌نامه علوم حدیث*، قم: بوستان کتاب.

مشکینی، ع (۱۴۱۸)، *الفقه المأثور*، قم: نشر الهادی.

مصباح، م (۱۳۸۲)، *آموزش فلسفه*، ج ۱، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

مطهری، م (۱۳۶۹)، *آشنایی با علوم اسلامی*، ج ۱، قم: صدرا.

مولانا، ح (۱۳۸۲)، *اطلاعات و ارتباطات جهانی*، ترجمه اسدالله آزاد و دیگران، تهران: کتابدار.

ویکی‌پدیا، ۱۳۹۰/۹/۸.

هانتینگتون، س (۱۳۸۲)، *نظریه برخورد تمدن‌ها*، ترجمه مجتبی امیری وحید، تهران: وزارت امور خارجه.

یعقوب‌نژاد، م. و دیگران (۱۳۷۵-۱۳۹۰)، *اصطلاح‌نامه‌های تخصصی علوم اسلامی شامل: اصطلاح‌نامه*



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۳۶

دوره ششم
شماره ۲
بهار ۱۳۹۳

علوم قرآنی، فلسفه اسلامی، کلام اسلامی، اخلاق اسلامی، منطق، اصول فقه، علوم حدیث، قم، بوستان کتاب،

مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی www.islamicdocoorg

_____ (۱۳۸۸)، مصاحبه. www.islamicdoc.com

_____ (۱۳۹۱)، مجموعه مقالات همایش ملی اصطلاحنامه و کاربردهای آن در محیط الکترونیکی،

تهران: کتابدار.

National Academy of sciences, national Academy of Engineering & institute of medicine,
Facilitating interdisciplinary research, Washington, DC, national Academies Press, 2005.

Repko, A (2007), Integrating interdisciplinarity Issues in tegrativestudies, 25,2007, 1-31



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۳۷

سازماندهی علوم
انسانی اسلامی...

Organizing the Islamic Humanities; An Interdisciplinary Necessity

Muhammad HadiYaghoubnezhad¹

Abstract

The present paper is organized to explain about science and it's organizing to provide a solution proportionate to the Islamic humanities issues in which seeking answers to these questions from the perspective of management as the pervasive element in any job and human environment, for the engineering and organizing of the humanities will be presented. Since the humanities is the spirit of all sciences, it can be used to assist others and in addition to the physical aspects of humanities also effective in spiritual aspects as well, deserves to be considered as an interdisciplinary requirement. Hence it is required to properly and according to the principles, be organized and managed so to construct the basis of evolution and science production. Engineering and management of the sciences by using knowledge-based systems and technological tools, is of importance and fundamental analysed in this paper.

Keywords: Humanities Management, Islamic Sciences Management, Knowledge-based Systems, Thesauruses, Islamic Humanities, Interdisciplinary Relationships.



*Interdisciplinary
Studies in the Humanities*

16

Vol.6
No.2
Spring 2014

1. Assistant Prof. of Islamic Sciences and Culture Academy- Islamic Documentation & Information Center. indic@Islamicdoc.com